



تحولات هویتی جهان اجتماعی (علل درونی)

درس یازدهم

هویت جهان اجتماعی چیست؟

دانستید هویت اجتماعی افراد، محصول عضویت گروهی آنهاست؛ مانند اینکه شهری، روستایی و عشایری بودن شما نتیجه عضویت در یک شهر، روستا یا ایل است. جهان اجتماعی نیز هویت خاصی دارد. منظور از هویت جهان اجتماعی چیست و چه تفاوتی با هویت اجتماعی افراد دارد؟

«دانش آموز بودن»، یکی از ویژگی‌های هویت اجتماعی شماست. دانش آموز بودن محصول عضویت شما در یک مدرسه است، ولی خود مدرسه نیز دارای هویت خاصی است. مدرسه با پذیرفتن عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای نهاد تعلیم و تربیت، به رسمیت شناخته می‌شود. نهاد تعلیم و تربیت نیز یکی از نهادهای جهان اجتماعی است و هویت خود را از جهان اجتماعی کسب می‌کند. جهان اجتماعی نیز هویتی دارد که از آن به «هویت فرهنگی جهان اجتماعی» یاد می‌شود. هویت فرهنگی جهان اجتماعی چیست؟

۱- اگر تغییرات اجتماعی را به دو دسته تغییرات سطحی و عمیق یا خرد و کلان تقسیم کنیم تغییرات عمیق و کلان را تحول اجتماعی می‌گویند. در تحول اجتماعی یک جهان اجتماعی به جهان اجتماعی دیگر تبدیل می‌شود.

هویت فرهنگی جهان اجتماعی براساس عقاید و ارزش‌های اجتماعی آن شکل می‌گیرد. این هویت هنگامی محقق می‌شود که در میان مردم، عقاید و ارزش‌های مشترکی پدید آید. یعنی هرگاه نوعی از عقاید و ارزش‌ها از سوی افراد پذیرفته و به رسمیت شناخته شود، هویت فرهنگی جهان اجتماعی پدید می‌آید.

هویت فرهنگی جهان اجتماعی، پدیده‌ای گسترده‌تر از هویت اجتماعی افراد است. هویت اجتماعی افراد در پرتو هویت فرهنگی جهان اجتماعی شکل می‌گیرد. هویت فرهنگی جهان اجتماعی، فرصت شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی خانوادگی، شغلی و... متناسب با خود را پدید می‌آورد و در برابر انواع هویت‌های اجتماعی که با عقاید و ارزش‌های آن ناسازگار است، مقاومت می‌کند. هویت فرهنگی تا زمانی که عقاید و ارزش‌های مربوط به آن مورد پذیرش اعضای جهان اجتماعی و برای آنها مهم باشد، دوام می‌آورد. هرگاه عقاید و ارزش‌ها اهمیت و اعتبار خود را نزد اعضای جهان اجتماعی از دست بدهند، دوام هویت فرهنگی با چالش‌هایی مواجه می‌شود.



تأمل کنید

هویت فرهنگی جهان اجتماعی چه رابطه‌ای با هویت اجتماعی افراد دارد؟ آیا این دو می‌توانند مستقل از یکدیگر وجود داشته باشند؟ برای پاسخ، از نمونه زیر کمک بگیرید.

هر خانواده، مانند خانواده ما و شما یک گروه اجتماعی است. هویت خانوادگی هر کدام از ما، بخشی از هویت اجتماعی ما و نتیجه عضویت در یک خانواده است. در هر جهان اجتماعی به هر شکل از زندگی، خانواده نمی‌گویند، بلکه تنها شکلی از زندگی که براساس عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای نهاد خانواده باشد، پذیرفته می‌شود. در مقابل، نهاد خانواده نیز تا زمانی دوام می‌آورد که گروه‌های خانوادگی، عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای آن را بپذیرند و براساس آن عمل کنند. اکنون شما درباره رابطه میان جهان اجتماعی و نهادهای آن فکر کنید.

هویت خانوادگی افراد ↔ خانواده‌ها ↔ نهاد خانواده ↔ هویت فرهنگی جهان اجتماعی

فرایند تحولات هویتی جهان اجتماعی چگونه است؟

در فصل اول با دو نوع تغییر در جهان اجتماعی آشنا شدید. آیا آنها را به یاد می‌آورید؟ برخی تغییرات از نوع تغییراتی است که درون یک جهان اجتماعی رخ می‌دهد ولی برخی تغییرات، یک جهان اجتماعی را به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می‌کند. به این گونه تغییرات اساسی در جهان اجتماعی که هویت جهان اجتماعی را متحول می‌کند، تحول فرهنگی می‌گویند. به نظر شما جهان اجتماعی چگونه دچار تحولات فرهنگی می‌شود؟

آثار منفی و مثبت بیماری (آثار جسمی، روحی و اجتماعی) بر انسان را در نظر بگیرید. آیا هر بیماری یا عامل بیماری‌زا در بدن انسان به مرگ او می‌انجامد؟ آیا آن دسته از بیماری‌ها که به مرگ می‌انجامند، به صورت ناگهانی پیش می‌آیند یا معمولاً در طول زمان اتفاق می‌افتند و مسیری نسبتاً طولانی را می‌پیمایند؟ آیا این مسیر قطعی است یا در مواردی برگشت پذیر یا حداقل قابل کنترل است؟
در جهان اجتماعی، وضعیت چگونه است؟ آیا هر تعارض فرهنگی به تحول هویت فرهنگی جهان اجتماعی می‌انجامد؟



گاهی تعارض فرهنگی یا همان شیوه زندگی ناسازگار با عقاید و ارزش‌های یک جهان اجتماعی تداوم می‌یابد و جهان اجتماعی نمی‌تواند کنش‌های اجتماعی را براساس فرهنگ خود سامان دهد. این وضعیت می‌تواند به «تزلزل فرهنگی» منجر شود.

تزلزل فرهنگی هنگامی رخ می‌دهد که عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌هایی که هویت فرهنگی جهان اجتماعی را می‌سازند، مورد تردید قرار گیرند و ثبات و استقرار خود را در زندگی مردم از دست بدهند. به عبارت دیگر، ناسازگاری اغلب از سطح رفتارها و هنجارها آغاز می‌شود و به سطوح عمیق‌تر یعنی عقاید و ارزش‌ها می‌رسد.

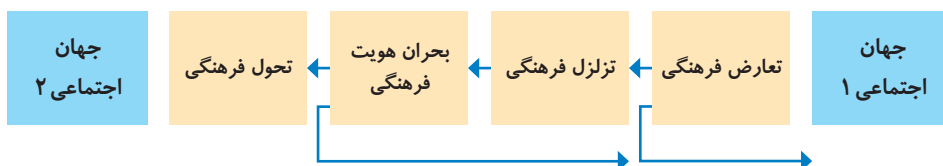
تزلزل فرهنگی می‌تواند به «بحران هویت» منجر شود. بحران هویت فرهنگی در جایی به وجود می‌آید که جهان اجتماعی، توان حفظ و دفاع از عقاید و ارزش‌های اجتماعی خود را نداشته باشد.

تأخیر در ازدواج و افزایش طلاق نوعی تعارض فرهنگی است. اگر این روند تا جایی پیش برود که اعضای جامعه برای تشکیل خانواده یا حفظ آن انگیزه لازم و کافی نداشته باشند و در عمل بسیاری زندگی مجردی را بر زندگی خانوادگی ترجیح دهند، نوعی تزلزل فرهنگی بروز می‌کند. اگر در ادامه، نهاد خانواده و عقاید و ارزش‌های آن به گونه‌ای سست شوند که رقیب‌ها و بدیل‌های زندگی خانوادگی همانند زندگی با حیوانات، ازدواج با هم‌جنس، زندگی مشترک بدون ازدواج و... هم‌عرض خانواده شیوع پیدا کنند؛ به گونه‌ای که جهان اجتماعی نتواند در برابر این اشکال از کیان خانواده و ارزش‌ها و هنجارهای آن دفاع کند نهاد خانواده دچار بحران هویت می‌شود. در ایران امروز نهاد خانواده با تعارض‌های فرهنگی مواجه است.

اگر در یک جهان اجتماعی بحران هویت پدید آید، راه برای دگرگونی هویت فرهنگی آن جهان اجتماعی باز می‌شود. در آن صورت تغییرات اجتماعی از محدوده تغییرات درون جهان اجتماعی فراتر می‌روند و به صورت تحولات فرهنگی در می‌آیند و جهان اجتماعی به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می‌شود.

تحولات فرهنگی می‌تواند مثبت یا منفی باشد. آیا راهی برای تشخیص و ارزیابی این‌گونه تحولات وجود دارد؟

اگر فرهنگی که گرفتار تزلزل، بحران و تحول می‌شود، فرهنگی باطل باشد و جهت تغییرات به سوی فرهنگ حق باشد، تحول فرهنگی مثبت است؛ اما اگر فرهنگی که اعتبار اجتماعی خود را از دست می‌دهد، فرهنگ حق باشد و جهت تغییرات به سوی فرهنگ باطل باشد، تحول فرهنگی منفی است. تحول جامعه جاهلی به جامعه نبوی، تحول فرهنگی مثبت و تحول جامعه نبوی به جامعه اموی، تحول فرهنگی منفی است.



با فرایند تحولات فرهنگی آشنا شدید. آیا می‌دانید که چرا این تحولات رخ می‌دهند و علل آن کدام‌اند؟

علل تحولات فرهنگی به دو دسته درونی و بیرونی تقسیم می‌شوند. در این درس، از علل درونی تحولات فرهنگی سخن می‌گوییم.

علل درونی یا به ابداعات و نوآوری‌های مثبت و منفی افراد و اعضای جهان اجتماعی مربوط می‌شود که در درس قبل از آن سخن گفتیم، یا به کاستی‌ها و بن‌بست‌های موجود در هویت فرهنگی جهان اجتماعی باز می‌گردد.

اگر یک جهان اجتماعی با کاستی‌ها و بن‌بست‌های درونی مواجه شود، گرفتار کهولت و مرگ می‌شود. مرگ یک جهان اجتماعی هنگامی رخ می‌دهد که با وجود به‌کارگیری تمامی ظرفیت‌های خود، از پاسخ‌گویی به نیازهای طبیعی و جسمانی یا فطری و معنوی انسان‌ها باز می‌ماند. درباره جهان‌های اجتماعی که فرهنگ دنیاگریز دارند، چه می‌دانید؟



■ مرتاض (سادو) در زبان سانسکریت به معنی «انسان مقدس» است. آنها از اجتماع فاصله می‌گیرند و به شدت بر ریاضت و سختی خود تمرکز دارند. آنها لباس‌هایی به رنگ زعفران می‌پوشند که نمادی است از چشم‌پوشی از دنیا.



■ راهبه‌ها یا خواهر روحانی به کسانی گفته می‌شود که داوطلبانه جامعه را ترک کرده و زندگی را به عبادت و تفکر در صومعه یا دیر می‌گذرانند.

جهان اجتماعی که متناسب با نیازهای معنوی و روحی افراد عمل نکند، به پرسش‌های آنها درباره معنای زندگی و مرگ پاسخ ندهد، از این پرسش‌ها غفلت کند یا به پوچ‌انگاری^۱ برسد؛ نشاط زندگی را از دست می‌دهد و با انواع مختلف آسیب‌ها مانند یأس، ناامیدی و خودکشی افراد روبه‌رو می‌شود.

کاستی و خلأ معنوی، دانشمندان و متفکران اجتماعی را به بازاندیشی درباره بنیان‌های عقیدتی و ارزشی جهان اجتماعی فرا می‌خواند و آنها را برای عبور از مرزهای هویت فرهنگی آن تشویق می‌کند.

۱- انکار معنا برای زندگی انسان یا ناتوان دانستن انسان در یافتن معنای زندگی است.

قبلاً دربارهٔ جهان اجتماعی متجدّد یا جهان مدرن و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که این جهان برای انسان ایجاد می‌کند، سخن گفتیم. طی قرن بیستم، متفکران جهان غرب آثار متعددی دربارهٔ بحران‌های هویتی این جهان نوشته‌اند و از شکل‌گیری دوران بعد از تجدّد یا پسامدرن سخن گفته‌اند. بسیاری از متفکران، شکل‌گیری دوران پسامدرن را تحول هویت جهان متجدّد می‌دانند و برخی آن را تغییری می‌دانند که درون این جهان اتفاق افتاده و پذیرفته شده است.

تحلیل کنید

با هویت اجتماعی افراد و هویت فرهنگی جهان اجتماعی آشنا شدید. آیا هر نوع بحران هویت اجتماعی، به بحران هویت فرهنگی منجر می‌شود؟ در چه صورتی بحران هویت در سطح افراد، به بحران هویت در سطح جهان اجتماعی می‌انجامد؟ مثلاً ممکن است در ایران برخی افراد یا خانواده‌ها دچار بحران هویت باشند؛ ولی نهاد خانواده دچار بحران هویت نباشد. در چه صورتی بحران هویت افراد و خانواده‌ها به بحران هویت در نهاد خانواده منجر می‌شود؟ این تحلیل را می‌توان دربارهٔ گروه‌های دیگر اجتماعی مانند گروه‌های تحصیلی، شغلی، ورزشی و... نیز به کار گرفت.



تحولات هویتی جهان اجتماعی (علل بیرونی)

درس دوازدهم

ارتباط جهان‌های اجتماعی در چه صورتی به تحولات فرهنگی منجر می‌شود؟
ارتباط و دادوستد جهان‌های اجتماعی مختلف با یکدیگر عادی و متداول است، ولی این ارتباط می‌تواند شکل‌های مختلفی داشته باشد. چه شکلی از ارتباط به گسترش و پیشرفت یک جهان اجتماعی منجر می‌شود و چه شکلی از آن، تحولات فرهنگی را به دنبال می‌آورد؟

«صرفه‌جویی، مصرف نکردن نیست، بلکه درست مصرف کردن است». این جمله را همه ما بارها شنیده‌ایم.

خسیس و ولخرج در ظاهر متضاد یکدیگرند. ولی اگر دقیق‌تر نگاه کنیم، آنها در یک نقطه مهم اشتراک دارند و آن هم علاقه شدید هر دو به پول و مهم بودن پول برای آنهاست. پول برای هر دو، به جای اینکه یک وسیله زندگی باشد، به هدف زندگی تبدیل شده است. ولخرج مهم بودن پول را با خرج کردن زیاد آن نشان می‌دهد و خسیس با خرج نکردن و انباشتن آن. شیوه زندگی خسیس و ولخرج دو شکل اشتباه مصرف است. مسئله، درست مصرف کردن است نه مصرف کردن یا مصرف نکردن! و البته باید دید در هر موقعیتی، مصرف درست چگونه است.

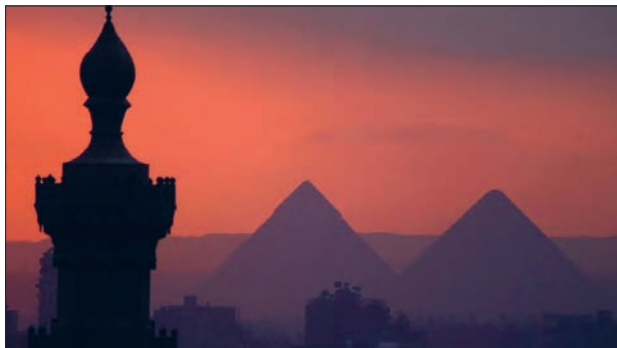
ارتباط جهان‌های اجتماعی با یکدیگر نیز پذیرفته است و پرسش اساسی، نه در اصل ارتباط، بلکه در چگونگی آن است. به نظر شما شکل‌های صحیح و مفید یا غلط و مضر ارتباط جهان‌های اجتماعی کدام‌اند؟

روابط جهان‌های اجتماعی با یکدیگر می‌تواند شکل‌های متفاوتی داشته باشد که هر کدام از آنها آثار هویتی متفاوت به دنبال می‌آورد. این روابط گاهی در محدودهٔ هنجارها و نمادها یا در شیوه‌های زندگی است و گاهی در سطح عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های اجتماعی است. اگر جهان اجتماعی با حفظ عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های خود، با جهان‌های اجتماعی دیگر تعامل و داد و ستد داشته باشد و در محدودهٔ هنجارها و شیوهٔ زندگی، عناصری را از جهان اجتماعی دیگر بگیرد و در صورت لزوم، تغییرات لازم را در آنها پدید آورد، زمینهٔ گسترش و پیشرفت خود را فراهم می‌آورد.

جهان اسلام در سده‌های نخستینِ رویارویی با جهان‌های اجتماعی دیگر، با حفظ هویت فرهنگی خود به تعامل با آنها پرداخت و به همین دلیل، عناصر سازگار با هویت خود را از آنها گرفت و در موارد مورد نیاز، به بازسازی آن عناصر پرداخت.

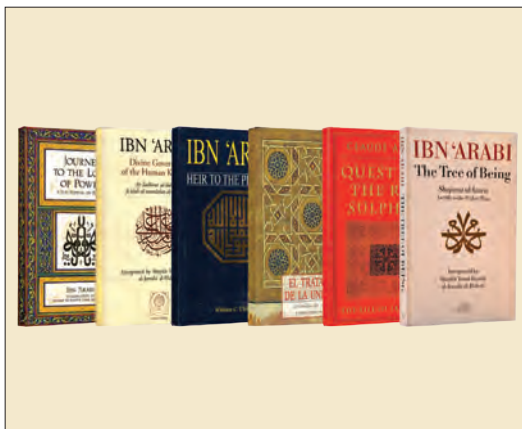
به دلیل اهمیتی که اسلام برای عقل و عقلانیت قائل است، جهان اسلام در مواجهه با فرهنگ یونان و روم، تنها عناصر عقلی این دو فرهنگ را اخذ کرد و به تناسب جهان‌شناسی توحیدی خود در دانش‌های مختلف آنها دخل و تصرف کرد و عناصر اساطیری و مشرکانهٔ آنها را نپذیرفت. مسلمانان آثار فلسفی، پزشکی، ریاضی و نجوم یونان و روم را ترجمه کردند ولی آثار تاریخی، ادبی، افسانه‌ها و اسطوره‌های آنها را رها کردند.

اگر جهان اجتماعی در تعامل با جهان‌های دیگر، بر عقاید و ارزش‌های خود پافشاری نکند، دادوستد فرهنگی به لایه‌های عمیق آن سرایت می‌کند و در صورتی که به مرور زمان، به عقاید و آرمان‌های خود پشت کند، دچار تحولات هویتی می‌شود. جهان اجتماعی‌ای که در مسیر تحولات هویتی، ارزش‌ها و عقاید جهان اجتماعی دیگری را قبول کند، به آن ملحق می‌شود. جهان اسلام در رویارویی با فرهنگ‌های دیگر، زمینهٔ تحولات هویتی آنها را پدید آورد. بسیاری از فرهنگ‌ها همانند مصر و ایران و... در تعامل با جهان اسلام، عقاید و ارزش‌های توحیدی آن را پذیرفتند و به آن ملحق شدند.

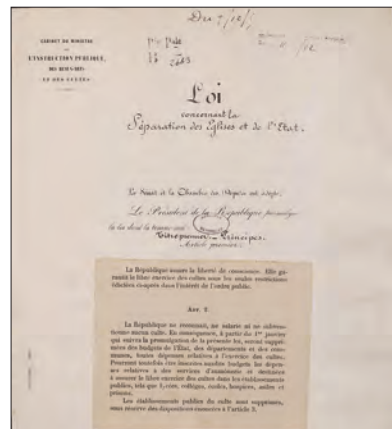


■ مصر در تعامل با جهان اسلام و پذیرش عقاید و ارزش‌های توحیدی آن، دچار تحولات هویتی شد.

ممکن است یک جهان اجتماعی در مواجهه با جهان اجتماعی دیگر، ضمن پذیرش بخش‌هایی از آن، هویت جدیدی به دست آورد و بدون اینکه به جهان اجتماعی مقابل ملحق شود، دچار تحولات هویتی گردد. جهان غرب طی جنگ‌های صلیبی، پس از رویارویی با فرهنگ اسلامی و پذیرش برخی لایه‌های آن، بدون اینکه به جهان اسلام بپیوندد، تحولات هویتی پیدا کرد. آیا می‌دانید جهان غرب در قرون وسطی، چه بخش‌هایی از فرهنگ اسلامی را پذیرفت و چه بخش‌هایی از آن را قبول نکرد؟ آیا عقاید و ارزش‌های جهان اسلام را اخذ کرد یا در لایه‌های دیگری دست به انتخاب زد؟ این جهان بار دیگر دچار تحولات هویتی شد. این بار با عبور از عقاید و ارزش‌های مسیحیت قرون وسطی، به عقاید و ارزش‌های دنیوی و سکولار روی آورد و هویت جدیدی پیدا کرد.



■ نمونه‌ای از کتاب‌های منتشر شده ابن عربی در غرب



■ جمهوری خواهان لائیک فرانسوی در سال ۱۹۰۵ م قانونی را به تصویب مجلس ملی فرانسه رساندند که براساس آن دین از آخرین عرصه‌های حضور اجتماعی خود حذف شد.

ممکن است جهان اجتماعی در مواجهه با جهان‌های دیگر به «خودباختگی فرهنگی» گرفتار شود. جهان اجتماعی هنگامی به داد و ستد و تعامل می‌پردازد که اعضای آن، به طور فعال و خلاق براساس نیازها، مشکلات و مسائل خود، با جهان اجتماعی دیگر رویارو شوند. اما اگر اعضای آن مبهور و مقهور جهان اجتماعی دیگر شوند و در نتیجه، حالت فعال و خلاق خود را در گزینش عناصر فرهنگی دیگر از دست بدهند، دچار خودباختگی فرهنگی می‌شوند؛ در آن صورت عناصر فرهنگی دیگر را بدون تحقیق و گزینش و به صورت تقلیدی فرا می‌گیرند. جهان اجتماعی خودباخته، به روش تقلیدی عمل می‌کند و ارتباطش را با فرهنگ و تاریخ خود از دست می‌دهد، بنابراین نه می‌تواند فرهنگ گذشته خود را تداوم ببخشد یا گسترش دهد و نه می‌تواند آن را رها کند و از آن بگذرد و به جهان اجتماعی دیگری که مبهور و مقهور آن شده است، ملحق شود. از اینجا رانده و از آنجا مانده!

بسیاری از جوامع غیر غربی، در رویارویی با جهان غرب، به دلیل اینکه مرعوب قدرت اقتصادی و سیاسی برتر غرب گشتند، به خودباختگی فرهنگی گرفتار شدند. خودباختگی جوامع غیر غربی در برابر جهان غرب را «غرب زدگی» می نامند.



■ کلبه‌ای کوچک به سبک نقاشی‌های اروپایی روی کاشی‌های ایرانی (کاخ گلستان)



■ رواج غذاهای آماده و نوشیدنی‌های گازدار ناسالم

تبیین کنید

غرب زدگی جوامع غیر غربی مهم‌ترین مانع تعامل آنها با جهان غرب است. به نظر شما این جوامع برای دستیابی به تعامل با جهان غرب باید چه مسیری را بپیمایند؟

پیشنهاد دهید

امروزه رسانه‌ها و فضای مجازی با عبور از مرزهای جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی جوامع، از سویی تعامل فرهنگی را از سطح محققان و مولدان فرهنگی به عموم کاربران و مصرف‌کنندگان فرهنگی منتقل کرده است؛ و از سوی دیگر تعامل فرهنگی را از سطح نمادها و هنجارها به عمق عقاید و ارزش‌ها می‌کشاند. این وضعیت باعث می‌شود تا عقاید و ارزش‌های جهان‌های اجتماعی توحیدی، اسطوره‌ای و دنیوی در عرض هم و البته با کمیت و کیفیت نابرابر در دسترس همه افراد قرار گیرند؛ بدین ترتیب رسانه‌ها و فضای مجازی عرصه مهم‌ترین منازعه هویتی می‌گردد. فضای مجازی چه فرصت‌ها و تنگنایی برای ساماندهی معقول این منازعه هویتی دارد؟ ما برای پاسداری از هویت فرهنگی خود چه ظرفیت‌هایی داریم؟ برای حفظ و بسط هویت فرهنگی خودمان در سطح فردی و اجتماعی (محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی) چه تکالیفی داریم؟ شما چه پیشنهادهایی دارید؟

از خودبیگانگی فرهنگی چیست؟

در زمین دیگران خانه مکن کار خود کن، کار بیگانه مکن

در زبان فارسی، «بیگانه» در مقابل خودی به کار می‌رود؛ اما در مواردی ممکن است انسان با خودش بیگانه شود. به این وضعیت «از خودبیگانگی» می‌گویند. نه تنها افراد، بلکه جهان‌های اجتماعی نیز ممکن است دچار از خودبیگانگی شوند که به آن «از خودبیگانگی فرهنگی» گفته می‌شود. از خودبیگانگی فرهنگی به چه معناست؟

معلمی برای اینکه دانش‌آموزان را به مطالعهٔ جغرافیا تشویق کند، می‌گفت: «اگر می‌خواهید گم نشوید، جغرافی بخوانید!» این عبارت کاملاً درست است؛ ولی انسان صرفاً موجودی مکان‌مند نیست که مکان را گم کند یا در مکان گم شود. انسان موجودی زمانمند هم هست و ممکن است زمان را گم کند. برای اینکه زمان را گم نکند، باید تاریخ را بشناسد. انسان بُعد اجتماعی و فرهنگی هم دارد و باید جامعه و فرهنگ را هم به خوبی بشناسد تا آنها را گم نکند یا در آنها گم نشود. مهم‌تر آنکه انسان ممکن است خودش را گم کند. راستی، ما خود را چگونه بیابیم؟ به تعبیر امام علی علیه السلام: «خدا رحمت کند کسی را که بداند از کجا آمده، کجاست و به کجا می‌رود».

همهٔ این حالت‌های گم‌شدگی، نه تنها برای افراد، بلکه برای گروه‌ها، ملت‌ها، امت‌ها و جهان‌های اجتماعی نیز ممکن است. جهان اجتماعی چگونه از خود بیگانه می‌شود؟



■ جشن هنر شیراز، مراسمی خارج از معیارهای اخلاقی بود که از سال ۱۳۴۶ در شیراز و به ریاست فرح پهلوی برگزار می‌شد و یکی از نشانه‌های ابتذال رژیم پهلوی و ترویج سیاست‌های غرب‌گرایانه بود. سفیر وقت انگلستان در ایران در خاطرات خود آورده است که به شاه گفتم که اگر چنین نمایشی در شهر منچستر اجرا می‌شد، کارگردانان و هنرپیشگان جان سالم به در نمی‌بردند. شاه مدتی خندید و چیزی نگفت. (خاطرات دو سفیر، ویلیام سولیوان و سر آنتونی پارسونز)



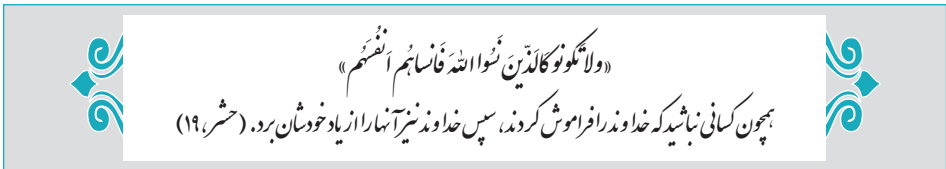
■ در تاریخ ۲۵ اسفند ۱۳۵۴ خورشیدی، با تصویب مجلس شورای ملی و مجلس سنا، گاه‌شماری شاهنشاهی، تقویم رسمی کشور شد. در این مصوبه مبدأ تقویم خورشیدی از هجرت پیامبر اسلام به تاریخ تقریبی تاج‌گذاری کوروش تغییر یافت.

از خودبیگانگی فرهنگی دو معنای متفاوت دارد.

● اگر جهان اجتماعی، فرهنگ تاریخی خود را فراموش کند، دچار از خودبیگانگی تاریخی می‌شود. جوامع خودباخته‌ای که در مواجهه با فرهنگ دیگر، هویت خود را از یاد می‌برند، به این معنای از خودبیگانگی گرفتار می‌شوند.

● اگر عقاید و ارزش‌های یک جهان اجتماعی، مانع از آشنایی اعضای آن با حقیقت انسان و جهان شود، آن جهان دچار از خود بیگانگی حقیقی (فطری) می‌شود.^۱

جهان‌های اجتماعی که براساس فطرت انسان شکل نگرفته‌اند و از عقاید و ارزش‌های حق برخوردار نیستند، مانع از آن می‌شوند که انسان‌ها به شناخت و تفسیری صحیح از عالم و آدم برسند. در این جهان‌های اجتماعی، انسان‌ها از حقیقت خود و هستی دور می‌مانند. تصویری که از انسان ارائه می‌شود، سرابی از حقیقت است؛ به همین دلیل فطرت آدمی در این جهان به آرامش نمی‌رسد و به اضطراب و تشویش گرفتار می‌شود و در نهایت، سر به عصیان و اعتراض برمی‌دارد. از نظر قرآن، انسان هنگامی به شناخت حقیقت خود و جهان می‌رسد که با نگاه توحیدی به خود و جهان بنگرد. قرآن کریم فراموش کردن خداوند را سبب فراموشی انسان از خود می‌داند.



براساس این نگاه، تنها جهان اجتماعی توحیدی است که درهای آسمان و زمین را به روی انسان می‌گشاید و او را با حقیقت خود و جهان هستی آشنا می‌کند. انسانی که به خودآگاهی می‌رسد، خویش و جهان را آیات و نشانه‌های خداوند می‌یابد و همواره انیس و همنشین خداوند است. جهان اجتماعی مشرکانه اساطیری و جهان اجتماعی سکولار و دنیوی، آدمی را نه تنها از حقیقت جهان، بلکه از حقیقت خود نیز بیگانه می‌کند.

تحلیل کنید

از خودبیگانگی تاریخی و حقیقی چه ارتباطی با هم دارند؟ آیا اگر جهان اجتماعی به یکی از معانی از خودبیگانگی دچار شود، ناگزیر به دیگری هم مبتلا می‌شود؟ یا ممکن است جامعه‌ای در یک معنا از خودبیگانه نباشد، ولی در معنای دیگر، از خود بیگانه باشد؟

۱- با توجه به مطالب درس ۷ می‌توان گفت در صورتی که اعضای یک جهان اجتماعی، واقعیت‌ها و آرمان‌های آن را فراموش نکنند و به آنها تعلق خاطر داشته باشند آن جهان اجتماعی دارای هویت تاریخی است و اگر واقعیت‌ها و آرمان‌های آن مطابق حق باشند، دارای «هویت حقیقی» است.



درس سیزدهم هویت ایرانی (۱) (هویت فرهنگی ایرانی)

هویت ایرانی در گذر زمان، چه تحولاتی به خود دیده است؟

افراد معمولاً خودشان را با ویژگی‌هایی مانند قد، قیافه، پوشش، شغل، ثروت، قدرت، تبار خانوادگی، مهارت، علاقه، هنر، دانش، خلق، ایمان، اعتقاد و... می‌شناسند و به دیگران معرفی می‌کنند. گروه‌ها، اقوام، ملت‌ها، ام‌ها و... نیز خودشان را با ویژگی‌هایی چون سرزمین، تاریخ، جمعیت، اقتصاد، سیاست، فرهنگ و... می‌شناسند و به دیگران معرفی می‌کنند. ایران و ایرانی با چه ویژگی‌هایی شناخته می‌شود؟ اسلام چه تأثیری در هویت ایرانی داشته است؟

جهان سر به سرزیر دست منست
ندادند شیر ژبان را به کس
به نیکی ندارند از بد هراس
کنام پلنگان و شیران شود
بدین بوم و برزنده یک تن مباد
جهان بر بداندیش تنگ آوریم
از آن به که کشور به دشمن دهیم
چه نیکوتر از مرگ در کارزار

ندانی چو ایران نشست منست
هنر نزد ایرانیان است و بس
همه یکدلانند یزدان شناس
دریغ است ایران که ویران شود
چو ایران نباشد تن من مباد
همه روی، یکسر به جنگ آوریم
اگر سر به سر تن به کشتن دهیم
اگر کُشت خواهد تو را روزگار

فردوسی در این ابیات چه تصویری از هویت ایرانی ارائه می‌کند؟

ایران سرزمینی است که بیش از هفت هزار سال قدمت دارد. در این سرزمین، همواره اقوام مختلفی زندگی کرده‌اند. هویت ایرانی قبل از ظهور اسلام، هویتی توحیدی، دینی و در مواردی آمیخته با اساطیر بود. روایتی از این هویت را در شاهنامه فردوسی می‌توان دید. اقوام مختلف ایرانی با آنکه هویت‌های اجتماعی متفاوتی داشتند، در عقاید و ارزش‌های آیین زرتشت که با آموزه‌های اساطیری درآمیخته بود، هویت فرهنگی واحدی پیدا کردند.

ایرانیان پس از آشنایی با اسلام، عناصر مشرکانه و اساطیری هویت خود را کنار گذاشتند و به تفسیر توحیدی از هویت خویش دست یافتند. عقاید و ارزش‌های توحیدی اسلام، ایران را به جهان اسلام ملحق ساخت و هویت ایرانی به صورت بخشی از هویت جهان اسلام درآمد. فارسی دری از دیرباز به عنوان زبان سیاسی دربار ایران، زبان رسمی مشترک اقوام مختلفی بود که در سرزمین پهناور ایران زندگی می‌کردند. این زبان به دلیل مشارکت فعال ایرانیان در حیات فکری جهان اسلام، از محدوده زبان سیاسی مشترک اقوام ایرانی فراتر رفت و به عنوان زبان دوم جهان اسلام، مرزهای امپراتوری‌های گورکانی و عثمانی را درنوردید و در مناطق مختلف جهان اسلام از هندوستان و تبت، تا آسیای صغیر و شبه جزیره بالکان گسترش یافت. حکیمان و شاعرانی چون مولوی، سعدی، حافظ و... خدمات بی نظیری انجام دادند که موجب گسترش زبان فارسی در جهان اسلام شد. ایرانیان مسلمان معارف و هنرهایی تولید کردند که سایر مسلمانان برای دستیابی به آنها، نیازمند آموختن زبان فارسی بودند.

بخوانیم و بدانیم

مسائل مشترک اسلام و ایران هم برای اسلام افتخارآمیز است هم برای ایران. دین اسلام به حکم محتوای غنی خود، ملتی باهوش و متمدن و صاحب فرهنگ را شیفته خود ساخته است و ملت ایران به حکم روح حقیقت خواه، بی تعصب و فرهنگ دوست خود، بیش از هر ملت دیگری در برابر حقیقت خضوع کرده و در راهش فداکاری نموده است. تمدن ایران قبل از اسلام یکی از مایه‌های تمدن اسلامی است. اسلام به تمدن ایران، حیاتی تازه بخشید و تمدن ایران جانی تازه و شکلی تازه گرفت. اسلام توحید را در متعالی‌ترین شکلش به ایرانی و غیرایرانی آموخت. اصل توحید را پایه اصلی قرار داد که علاوه بر مبنای فلسفی خود، محرک و مشوق فکر و اندیشه است. ایرانی در دوره اسلامی نبوغ فکری و علمی خود را در اعلی درجه نشان داد. ایرانیان در تولید علم و فرهنگ در تمدن اسلامی در رشته‌های قرائت و تفسیر، حدیث و روایت، فقه و فقهات، کلام، فلسفه و حکمت، عرفان و تصوف، ذوق، احساس، هنر و فن از سرآمدان مسلمانان بودند. ایرانیان در نشر و تبلیغ، در سربازی و فداکاری برای اسلام خدمات بسیار شایانی کرده‌اند؛ خدماتی از روی صمیمیت، اخلاص و ایمان. ایرانیان شریعت اسلام را به کشمیر، هند، چین، جنوب شرق آسیا، آفریقای شرقی و مغرب و شمال آفریقا و از آنجا تا اندلس بردند. ایرانیان چندین برابر جمعیت خود، مردم سایر جوامع را مسلمان کرده‌اند. زبان فارسی بیش از هر چیز دیگری در خدمت اسلام بوده و این خدمات چهارده قرن دوام داشته است. (خدمات متقابل اسلام و ایران، شهید مرتضی مطهری)



■ مسلمانان پس از فتح ایران با نظام دیوانی ایرانیان روبه‌رو شدند. آنان سابقه مملکت‌داری چندانی نداشتند و برای اداره قلمرو گسترده، ثبت و ضبط اموال و غنایم و بیت‌المال، از کارگزاران ایرانی و نظام دیوانی آنها استفاده می‌کردند.

■ نقشه کشورهای فارسی‌زبان

بخش‌های مختلف جهان اسلام و از جمله ایران در تاریخ اسلامی خود با هجوم نظامی و سیاسی اقوام مختلف مواجه شده است. جهان اسلام چگونه با این هجوم‌ها مقابله می‌کرد؟ جهان اسلام طی سده‌های مختلف یا مانند آنچه در جنگ‌های صلیبی گذشت، به دفع مهاجمان پرداخت یا مانند آنچه در حمله مغول رخ داد، مهاجمان را درون خود جذب و هضم کرد. اما برخورد جهان غرب با جهان اسلام تجربه جدیدی است که هنوز به پایان خود نرسیده است. قدرت سیاسی و نظامی غرب در نخستین رویارویی‌ها، بخش‌هایی از ذهنیت مسلمانان را به خودباختگی فرهنگی دچار ساخت و این امر سبب شد، تصویری که شرق‌شناسان و تاریخ‌نگاران غربی از هویت جهان اسلام القا می‌کردند، در بین جوامع اسلامی و از جمله در جامعه ایران رواج پیدا کند.

در دیدگاه مستشرقان^۱، هویت فرهنگی جوامع اسلامی، توحیدی یا حتی اساطیری نیست، بلکه سکولار و دنیوی است و به ابعاد تاریخی و جغرافیایی آن محدود می‌شود. این هویت در قالب عناوین قوم‌گرایانه و ناسیونالیستی^۲، امت و ملت اسلامی را به اقوام مختلف نظیر ترک، عرب و فارس تقسیم می‌کند.

متفکران ایرانی از دهه سی به بعد، در نقد رویکرد تقلیدی به فرهنگ غرب و هویت‌های کاذبی که از این طریق ساخته می‌شد، آثاری با عناوینی نظیر غرب‌زدگی و بازگشت به خویشتن، پدید آوردند و برخی از اندیشمندان مسلمان، کتاب‌هایی را درباره خدمات متقابل اسلام و ایران و همچنین فطرت و خویشتن الهی انسان تدوین کردند.

۱- مستشرقان یا شرق‌شناسان به جمعی از محققان غربی گفته می‌شود که از منظر جهان غرب و با اهداف مواضع غربی جوامع شرقی و میراث فرهنگی آنها را مطالعه می‌کنند. در واقع به جای بازخوانی و مطالعه به بازسازی و خلق هویت شرقی از منظر جهان غرب می‌پردازند.

۲- ناسیونالیسم به مجموعه‌ای از باورها و نمادها گفته می‌شود که دل‌بستگی و تعلق به ملت، سرزمین، نژاد، قوم و زبان را اصل قرار می‌دهد و صرفاً تعلق خاطر به چنین عناصری را آرمان اساسی انسان‌ها و تعیین‌کننده هویت ملت‌ها می‌داند.

دانستید هویت فرهنگی هر جامعه بر مدار عقاید و ارزش‌های اجتماعی کلان آن شکل می‌گیرد. هرگاه افراد جامعه، نوعی از ارزش‌ها را بپذیرند و به رسمیت بشناسند، هویت فرهنگی پدید می‌آید و تا زمانی که این عقاید و ارزش‌ها مورد پذیرش باشند، دوام می‌آورد. البته برقراری روابط پایدار میان افراد جامعه، نیازمند مکان و سرزمین است. مکان، زمینه ارتباط افرادی را که عقاید و ارزش‌های مشترک دارند، فراهم می‌آورد و ادامه حیاتشان را ممکن می‌سازد. به همین دلیل برای مردمی که با هم زندگی می‌کنند، سرزمین یا وطن، ارزشی متفاوت از سایر مکان‌ها پیدا می‌کند و احساس خاصی در آنها به وجود می‌آورد به گونه‌ای که دفاع از آن را تا پای جان و وظیفه خود می‌دانند. سرزمین بُعد جغرافیایی هویت جامعه را می‌سازد. افرادی که مدت زیادی با هم زندگی کرده‌اند، سرگذشت و سرنوشت مشترکی پیدا می‌کنند که به صورت خاطره جمعی و مشترک درمی‌آید و از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد. این خاطره در گذر زمان، متراکم و مستحکم می‌شود و بُعد تاریخی هویت جامعه را می‌سازد.

با برخی دیگر از ابعاد هویت جامعه در درس بعد و با برخی در سال آینده آشنا می‌شوید.

تحقیق کنید

آیا نویسندگان کتاب‌های «غرب‌زدگی»، «بازگشت به خویشتن»، «خدمات متقابل اسلام و ایران» و «فطرت» را می‌شناسید؟ درباره این آثار و نویسندگان آنها تحقیق کنید.



انقلاب اسلامی چه تأثیری بر هویت ایرانی دارد؟

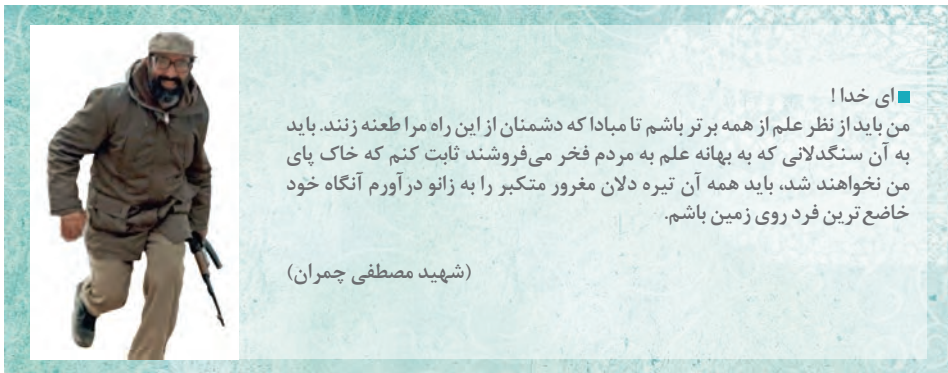
انقلاب اسلامی ایران چه ارتباطی با هویت ایران و ایرانی دارد؟ و چه تأثیری در احیای هویت جهان اسلام داشته است؟

انقلاب‌ها از مهم‌ترین تحولات در هر جهان اجتماعی محسوب می‌شوند. یکی از مهم‌ترین بحث‌ها دربارهٔ انقلاب، دستاوردها و پیامدهای آن می‌باشد. پیامدهای انقلاب را به شیوه‌های مختلفی دسته‌بندی می‌کنند. مثلاً پیامدهای کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت؛ یا پیامدهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی. یکی از مهم‌ترین پیامدهای انقلاب، تحولات هویتی است. انقلاب اسلامی چه آثار هویتی‌ای در ایران و جهان به دنبال آورد؟



■ تبلور تحولات هویتی در شعارهای انقلابی

انقلاب اسلامی ایران حاصل یک سده مقاومت هویت اسلامی ایران در برابر هجوم سیاسی و اقتصادی غرب بود. بازگشت ایران به اسلام، بازگشت به یک خویشین صرفاً تاریخی و جغرافیایی که با اندیشه‌های دنیوی غربی تفسیر می‌شد، نبود؛ بلکه بازگشت به خویشین الهی و توحیدی بود. جامعهٔ ایران به رهبری امام خمینی ره و با استفاده از آموزه‌های قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام، به هویت اسلامی خود بازگشت و تاریخ و جغرافیای خود را ذیل آسمان معنوی توحید قرار داد و به این ترتیب از مرزهای جامعهٔ ایمانی خود، در برابر جهانی که در مقابل او صف کشیده بود، به مدت هشت سال دفاع کرد. این مقاومت تا امروز ادامه یافته است.



■ ای خدا!

من باید از نظر علم از همه برتر باشم تا مبدا که دشمنان از این راه مرا طعن زند. باید به آن سنگدلانی که به بهانه علم به مردم فخر می‌فروشند ثابت کنم که خاک پای من نخواهند شد، باید همه آن تیره دلان مغرور متکبر را به زانو در آورم آنگاه خود خاضع‌ترین فرد روی زمین باشم.

(شهید مصطفی چمران)

جامعه ایران با بازگشت به هویت اسلامی خود که هویتی مستقل، فعال و اثرگذار است، به صورت قلب تپنده بیداری اسلامی درآمد. جهان اسلام اینک با الهام گرفتن از انقلاب اسلامی ایران، هویت خود را بیرون از تصاویری که جهان غرب القای کرد، جست‌وجو می‌کند و به این ترتیب، اسلام به عنوان یک قطب فرهنگی^۱ جدید ظاهر می‌گردد.

حیات معنوی اسلام، افق‌های جدیدی را به روی اندیشمندان جهان غرب نیز گسترده است و نظریه پردازان غربی را که طی قرن بیستم، سکولاریسم و دنیوی شدن را سرنوشت مشترک و حتمی بشریت می‌دانستند، به تأمل و بازبینی نظریات پیشین خود فراخوانده است.



■ مسئله شدن حجاب در کشورهای اروپایی

قسمتی از بیانیه گام دوم انقلاب

انقلاب پرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چلّه پرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده است. شعارهای جهانی و فطری این انقلاب دینی یعنی آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت و برادری هیچ‌یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از روی گردانی مسئولان از این ارزش‌های دینی بوده است و نه از پایبندی به آنها و کوشش برای تحقق آنها... انقلاب اسلامی ملت ایران قدرتمند اما مهربان و باگذشت و حتی مظلوم بوده است. در هیچ معرکه‌ای حتی با صدام و آمریکا گلوله اول را شلیک نکرده و در همه موارد، پس از حمله دشمن از خود دفاع کرده و البته ضربت متقابل را محکم فرود آورده است. با صراحت و شجاعت در برابر

۱- کانونی فرهنگی که مردم جهان برای پاسخ به پرسش‌ها و نیازهای خود به‌ویژه پرسش‌های معرفتی و معنوی معطوف و متوجه آن شده‌اند.



■ برگرفته از بیانیه
گام دوم انقلاب
رهبر معظم انقلاب

زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. این جوانمردی و مروت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنه عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه سربلندی ایران و ایرانی است و همواره چنین باد.

بخوانیم و بدانیم

لطف حقت یار و دشمن خوار، خواری عار باد
توتیای چشم ما در پرده از اغیار باد
کز نشانش تا ابد صدامیان را عار باد
مژده فتح شما با مزدگانی یار باد
آنکه فتح قدستان پایان این مضمار باد
فخر تاریخ است و این تاریخ را تکرار باد
درسی از دین خدا در خاطر کفار باد
عالمی را این کرامت شیوه رفتار باد
اسوه ایمان و ایثار این چنین کردار باد
زندگی را خجلت از مرگی چنین هموار باد
رنگ هر گل یادگار از هر گل رخسار باد
نقش روی خوبتان همواره در انظار باد
امیری فیروزکوهی

ای وطن ای مفخر من لطف حقت یار باد
ای وطن ای خاک پاکت توتیای چشم ما
ضربه تیغ شما زد صدمه‌ای صدام را
ای جوانان غیور ای پاسداران وطن
مزدگانی چیست این فتح الفتوح قرن را
این چنین فتح نمایان، لشکر اسلام را
آن کرامت‌ها که در حق اسیران کرده‌اید
بالله این رفتارتان در یاد عالم نیز نیست
عالمی در حیرت از ایمان و ایثار شماست
مرگتان را تسلیت با تهنیت آمیخته‌است
هر بهاران کز نسیم گل برآید بویتان
گل نشان بویتان، سنبل نشان مویتان

تحلیل کنید

حجاب و پوشش به عنوان نماد هویت جهان اسلام در صد سال اخیر، فراز و فرودهایی داشته است. در دوران رضاخان حجاب مسئله و معضل درون جامعه ایران بود و زنان مسلمان اجازه رعایت ضوابط دینی خود را نداشتند. اینک حجاب مسئله کشورهای اروپایی شده است و برخی از کشورهای اروپایی از ورود زنان با حجاب به مراکز آموزشی ممانعت می‌کنند. مسئله شدن حجاب در کشورهای اروپایی را با توجه به هویت جهان اسلام تحلیل کنید.

مفاهیم اساسی

هویت ایرانی اسلامی انقلابی،

خلاصه کنید

— زبان فارسی دومین زبان فرهنگی جهان اسلام است.

آنچه از این درس آموختیم